



## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره‌ی هند (7)

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا

فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: خرداد 1396 - شماره 673

از 42 تا 49

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1254433>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع

### در شبه قاره هند

(۷)

در شماره گذشته (اردیبهشت ماه ۹۶) درباره برافراشته شدن پرچم اهل بیت در احمدنگر هند و شکوه شیعیان در نواحی مرکزی هندوستان مطالبی تقدیم کردیم و اینک ادامه بحث:

متوجه کابل گردد. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی روی کار آمد، به بابر اطمینان داد که وی را در باز پس‌گیری سرزمین نیاکانش حمایت نظامی می‌نماید. این شاهزاده مغولی از این بابت شادمان شد و قول داد اگر بقیه ماورالنهر را به کمک شاه صفوی فتح کند، دستور خواهد داد خطبه به نام دوازده امام بخواند و سکه به نام ائمه اثنی عشر بزند. سرانجام بابر موفق شد با کمک سپاه شاه اسماعیل صفوی بخارا و سمرقند را

دهلی؛ مرکز حکومت تیموریان هند بنیان‌گذار سلسله تیموریان در هند ظهیرالدین محمد بابر است که زادگاهش شهر فرغانه در ازبکستان (از مناطق آسیای میانه) می‌باشد. پدرش شیخ میرزا فرزند سلطان ابوسعید (نواده امیر تیمور گورکانی) بر این قلمرو حکومت می‌کرد. وی بعد از فوت پدر، جانشین او گردید و برای حفظ سلطه بر فرغانه و تصرف سمرقند تلاش نمود، اما شکست‌های مکرر، وی را وادار کرد که

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

تسخیر کند. با این وجود قادر نبود مردم متعصب منطقه را مطیع خود سازد. در زمستان ۹۲۰ق بابر به کابل بازگشت. وی بعد از چندین شکست، در جمادی الثانی ۹۲۸ق قندهار را تصرف کرد و مصمم شد هندوستان را فتح نماید و رفته رفته با اراده‌ای پولادین و عزمی راسخ به این مهم دست یافت و با این پیروزی بزرگ امپراتور هندوستان شد. شرح حال **ظهیرالدین بابر** که به قلم خودش به ترکی جغتایی نوشته شده، **بابرنامه** نام دارد. این زندگی او را نابغه‌ای خوش ذوق و ادیب و سیاست‌مداری با فراست نشان می‌دهد. دیوان شعرش که به زبان ترکی است، از لطافت طبع او حکایت دارد. بابر پادشاهی اهل فضل و ادب بود و به تربیت شعرا و دانشمندان همت می‌گماشت و غیر از آنچه گفتیم، تألیفاتی هم در مباحث کلامی و فقهی و رساله‌ای در عروض دارد<sup>(۱)</sup>. اگرچه زبان مادری بابر جغتایی بود اما به زبان فارسی علاقه داشت و به این زبان شعر می‌سرود. خانواده‌اش نیز به ادبیات

فارسی گرایش نشان می‌دادند به گونه‌ای که دخترش کتاب **همایون‌نامه** را به فارسی نوشت<sup>(۲)</sup>. شهید **آیت‌الله مطهری** می‌نویسد: بابر که از احفاد امیر تیمور گورکانی بود، به هندوستان لشکر کشید و دهلی را مرکز حکومت خود قرار داد. بعد از وی، گروهی از افراد خاندانش تا مدت چهار قرن به هندوستان حکومت راندند. روابط تیموریان هند با حاکمان صفویه بسیار حسنه بود. در این زمان جماعت زیادی از ایران به هند رفتند. هزاران شاعر، فقیه و عارف از ایران به هندوستان رهسپار شدند و در آنجا به

۱. تحفه سامی، ۱۵، مرکز احباب، ص ۸۹، تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، جاول، ص ۴۲۳ و ۴۲۷، تاریخ فرشته، مقاله دوم، ص ۱۹۱ و ۱۹۲، کاروان هند، ج ۱، ص ۲۷ و ۲۸.

۲. نگاهی کوتاه بر تاریخچه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند، ساجدالله تفهیمی، مجله آشنا، شماره ۱۸، مرداد و شهریور ۱۳۷۳، این قند پارسی، اطلاعات، ۲۴۶۸۱.

تبلیغات اسلامی پرداختند<sup>(۱)</sup>.

مسجد در شبه قاره هند اشاره کرد که مشهورتر از همه، مسجد بابری در آیودیها (Ayodhya) واقع در ناحیه فیض آباد در شرق اوتار پرادش مرکزی در شمال هند است. آیودیها از شهرهای تاریخی و مذهبی هند به شمار می آید که نام خود را به ناحیه اوده هم داده است. بابر در سال ۹۳۵ق دستور داد تا میرباقی -حکمران اوده- مسجدی در آنجا بنا نهد. این مسجد به دلیل موقعیت ویژه مذهبی خود همواره موضوع اختلاف میان مسلمانان و هندوها بوده است. مسبب این کشمکش گزارش یک صاحب منصب انگلیسی به نام اچ. او. نوبل در ۲۷۱ق بود. وی بدون آن که سندی معتبر ارائه دهد، ادعا کرد که این مسجد در محل معبد

اگرچه بابر در هند، فتح بزرگی انجام داد و تا بنگال پیش رفت و دولتی نیرومند تشکیل داد، ولی برای سامان دادن به تضادهای نژادی، اجتماعی و مذهبی فرصت نیافت و بر اثر بیماری شدید در آگره درگذشت. پیکرش را طبق وصیتش به کابل بردند و در مکانی موسوم به قدمگاه دفن کردند. او نه تنها سیاستمداری زبده و سلحشوری دلیر بود، بلکه فرمانروایی دانشمند و باتدبیر به شمار می آمد و به فرزندش -همایون- سفارش کرده بود که برای وحدت اسلامی، اختلافات میان شیعه و سنی را نادیده بگیرد. این نگرش نمایانگر وسعت نظر بابر است. او از این طریق توانست با دولت شیعی صفوی ارتباط دوستانه برقرار کند و نقش مهمی در انتقال فرهنگ و تمدن شیعیان ایرانی به هند ایفا نماید<sup>(۲)</sup>.

### مسجد بابری

از بناهای عصر بابر باید به چند

۱. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۴۳.

۲. طبقات اکبری، نظام الدین احمد، ج ۲، ص

۲۶-۲۷، تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۲۱۱،

همایون نامه، گلبدن بیگم، ص ۲۱-۲۳،

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۱۹.

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

ویران شده هندوها بنا شده و اصلاً محل تولد رام چندر بوده است. هندوها نیز برآنند که این مسجد بر خرابه‌های معبد راما ساخته شده است.

این روند منشأ فتنه‌های بعدی گردید و باعث ایجاد تفرقه بین مسلمانان و هندوها شد. در سال ۱۳۶۸ق بعد از جدایی پاکستان از هند، عده‌ای هندوی افراطی با همکاری جمعی اوباش و با حمایت قاضی ناحیه فیض‌آباد، نیمه‌های شب، بت رام را که از خدایان مورد پرستش هندوها بود، به این مسجد آورده و آن را بر دیوارش نصب کردند. بعد از این واقعه، مقامات امنیتی و دولتی به بهانه برقراری امنیت و جلوگیری از درگیری هندوها و مسلمانان بر در مسجد بابری قفل زدند و از آن تاریخ این عبادت‌گاه تاریخی و پایگاه قدس و تقوا بر روی مسلمانان بسته شد. در سال ۱۳۵۹ق بعد از بررسی شکایت یک وکیل هندو در دادگاه فیض‌آباد، قاضی پرونده حکم داد تا قفل مسجد بابری شکسته شود و هندوها آزادانه در آنجا

مراسم مذهبی به‌جا بیاورند. بعد از گشودن قفل، نیروهای مسلح پلیس ایالتی در اطراف مسجد و محل‌های مسلمانان مستقر شدند. از آن زمان مسلمانان مترصد فرصتی بودند تا این مسجد را از هندوهای افراطی بازپس گیرند. رهبران مسلمانان هند دست به کار تشکیل کمیته‌های اجرایی برای آزادسازی مسجد بابری شدند. کمیته اجرایی مسجد بابری جهت تشکیل مسلمانان و هماهنگی بیشتر در بازیابی این مکان مقدس در اولین اقدام، از مسلمانان خواست تا جهت اعتراض علیه تصاحب غاصبانه مسجد و کشتار مردم مسلمان ایالات و شهرهای گوناگون هندوستان روز ۲۶ ژانویه را که مصادف با سال‌روز جمهوری هند است، روز سیاه اعلام کرده و در مراسم ویژه آن حضور نیابند. این دعوت با خواهش رئیس جمهور وقت از رهبران مسلمان منتفی گردید. اقدام مزبور موفقیت‌آمیز به حساب آمد و کمیته اجرایی مسجد بابری را در ادامه فعالیت خود راسخ‌تر نمود. در

اولین سالگرد اشغال مسجد بابری، مسلمانان در اعتراض به اشغال این مسجد توسط هندوها دست به یک اعتصاب سراسری زدند. بعد از آن، **عبدالله بخاری** - امام جمعه مسجد جامع دهلی - از مسلمانان خواست تا دست به راهپیمایی گسترده در دهلی - مرکز حکومت هند - بزنند.

سرانجام تظاهرات مسلمانان در سی ام مارس ۱۹۸۷ م / فروردین ۱۳۶۱ خ از مسجد جامع دهلی آغاز و تا مقابل پارلمان هند ادامه یافت. صدای تکبیر و شعارهای کوبنده مسلمانان در فضا طنین انداز شد. از راهپیمایان خواسته شد از انجام هرگونه اقدامی که بهانه‌ای به نیروهای امنیتی هند بدهد، پرهیز کنند. هنگامی که مسلمانان به مقابل پارلمان هند رسیدند، با نظم و ابهت و صلابت خاصی به اقامه نماز جماعت پرداختند.

در اکتبر ۱۹۸۹ م / ۱۳۶۳ ش مسلمانان هند اعلام کردند در انتخابات آینده به حزب کنگره به رهبری **راجیو گاندی** رأی نخواهند داد. علت این تصمیم، ناتوانی حزب مزبور در مقابله با حرکت هندوهای متعصب جهت اشغال زمین‌های مورد منازعه در آیودی‌ها و تصمیم آنان برای انهدام مسجد و احداث معبد اعلام گردید. **مولانا سید عبدالله بهاری** هم از مسلمانان هند خواست به حزب مخالف رأی بدهند و در انتخابات دسامبر ۱۹۸۹ م، رأی مسلمانان تأثیر قاطعی بر نتایج آرای حزب کنگره گذاشت و باعث گردید راجیو گاندی سقوط کند.

در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰ م / ۱۳۶۴ ش رئیس حزب **بهارایتا جاناتا** یک راهپیمایی طولانی ده هزار کیلومتری را آغاز نمود که هدف آن خراب کردن **مسجد بابری** و احداث **معبد رام** بود. مبدأ راهپیمایی از محل معبد تاریخی سومنات واقع در ایالت گجرات و مقصد آن، شهر آیودی‌ها (محل استقرار مسجد بابری) بود. در طول مسیر، خشونت‌های خونین فرقه‌ای گسترده‌ای بین هندوها و مسلمانان درگرفت و در این منازعات ده‌ها نفر به قتل رسیدند. چندی بعد

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

رئیس حزب مذکور دست‌گیر گردید، زیرا مذاکرات طولانی با وی و نیز رهبران دیگر احزاب افراطی بدون نتیجه بود. با این‌همه، راه‌پیمایان از حرکت باز نایستادند و به طرف آیودی‌ها حرکت کردند. دولت محلی **بیهار** وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد و نیروهای امنیتی و ارتش را به شهر آیودی‌ها گسیل داشت. محل مورد منازعه که مسجد بابری در آن قرار داشت، به محاصره نیروی انتظامی درآمد. درگیری میان نظامیان و هندوهای افراطی که تلاش داشتند به ساختمان مسجد بابری دسترسی پیدا کنید، موجب کشته شدن ده‌ها نفر هندو گردید. سرانجام با فعالیت مرموز محافل صهیونیستی در هند، متأسفانه هندوئیسم معتدل که به تبعیت از **مهاتما گاندی** منادی عدم خشونت و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با مسلمانان بود، در انزوا قرار گرفت و افراطی‌گری رشد یافت تا آن‌جا که افراد متعصب موفق به اشغال مسجد مزبور شدند و چون زمینه را کاملاً مساعد دیدند، در دسامبر سال ۱۹۹۳م

خیل عظیمی از هندوهای افراطی که توسط احزاب تندرو، قدرت‌طلب، ماجراجو و ضد اسلام تحریک و بسیج شده بودند، از دیوارهای مسجد بالا رفتند و به این بهانه که مسجد مزبور بر خرابه‌های معبد رام (خدای افسانه‌های هندی) ساخته شده، به تخریب کامل این مسجد باشکوه که دارای جلوه‌های هنری خاصی بود اقدام نمودند. خراب شدن این مکان مقدس و محل تجمع و عبادت مسلمانان، فاجعه بزرگی در تاریخ هند به‌شمار می‌آید.

احزاب افراطی هندو هر ساله سال‌روز تخریب مسجد بابری را روز فتح و ظفر بر مسلمانان تلقی کرده و به جشن و سرور می‌پردازند، ولی احزاب مخالف نظیر حزب کنگره، جبهه متحده و **جانا تادال**، این روز را در تاریخ هند روزی تلخ و سیاه می‌شمرند زیرا چهره آزادی و دموکراسی را در کشور هندوستان لکه‌دار و مخدوش ساخت و آبرو و حیثیت این سرزمین را در جهان بر باد داده است. وزیر مرکزی امنیت داخلی

تمام بحران‌ها و اختلافاتی که بین هندوها و مسلمانان در هند رخ می‌دهد، مسلمانان بیشتر قربانی می‌شوند. این امر حاکی از توطئه‌های دامنه‌دار استکبار و صهیونیسم علیه مسلمانان است. درست موقعی که بحران مسجد بابری رخ داد، مسلمانان در بوسنی و هرزه‌گوین قتل عام می‌شدند و این تقارن از نوعی نیرنگ غربی علیه جوامع اسلامی حکایت دارد. تبعات این بحران، هنوز هم از بین نرفته و گاه آتش فتنه‌ای را در هند شعله‌ور می‌سازد. در این میان مسلمانان باید بدانند هرگونه عقب‌نشینی از مواضع استوار، قانونی و برحق خود عرصه را بر آنان تنگ‌تر می‌کند و در آینده تاوان‌گرانی بابت این کوتاه آمدن‌ها خواهند داد. حضور پر قدرت آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هند ضروری است تا از طریق مسالمت‌آمیز و پی‌گیری‌های حقوقی و قضایی به مقاصد خود برسند. در قانون اساسی هند، اکثریت هندو با مسلمانان و پیروان دیگر ادیان از نظر دینی برابرند و قانون تمامی مذاهب و

هند در پارلمان این کشور گفت: ایالت اوتار پرادش که مسجد بابری در آن قرار داشت، به دلیل تخریب مرکز عبادت مسلمانان دچار ننگ و عار شد.

اگرچه هند در آتش اختلافات قومی، قبیله‌ای و مذهبی می‌سوزد و هیچ‌کدام از رهبران این کشور نتوانسته‌اند در قبال این آشوب‌ها توانایی کامل خود را آشکار سازند و حتی غالباً قربانی بوده‌اند، ولی به نظر می‌رسد خشونت‌های خونین سنوات اخیر هند ریشه داخلی نداشته و عوامل بیگانه در دامن زدن به چنین تشنج‌ها و تشدید اختلافات میان هندوها و مسلمانان دخالت داشته‌اند. تخریب مسجد بابری که قدمتی چهارصد ساله داشت و برای هند میراث تاریخی و فرهنگی باارزشی به‌شمار می‌آمد، به‌سان دیگر بحران‌های این کشور نمی‌تواند در حد یک اتفاق دینی محدود بماند؛ گو این‌که دست‌های نامرئی در کار است تا تضادهای قومی و مذهبی هند را تشدید، فراگیر و روزمره کند. متأسفانه این بهت‌آور است که در



### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

ادیان را به دیده احترام می‌نگرد. اساساً گروه‌ها و احزاب خشن و متعصب هندویی غالباً با هدف احیای فرهنگ و آیین هندو و از بین بردن آثار فرهنگ و تمدن اسلامی و شیعی به وجود آمده‌اند. همین گروه‌ها سردمدار درگیری‌های خونین فرقه‌ای در ایالات گوناگون هند بوده‌اند. آنان با تربیت نیروهای مسلح و آموزش‌های اعتقادی، سعی در انجام بهتر این اهداف شوم را دارند. این افراد افراطی در پی آن هستند تا مسلمانان را وادار سازند از ادعاهای خود درباره مسجد بابری دست بردارند و با این فضای تبلیغی خاص، شرایطی به وجود بیاورند که جوامع مسلمانان به خواسته‌های هندوها گردن نهند، اما مسلمانان مقاومت کرده چنین تهدیدها و فشارهایی را بر نمی‌تابند و در میدان‌های سیاسی، قدرت خود را در عزل و نصب حکومت‌ها به اثبات رسانده‌اند.

مسلمانان درکنار سایر اقلیت‌های هند نیاز به امنیت و سلامت دارند و دولت هند موظف است این موضع را عملی

نماید که در صورت تحقق آن، به رشد و اعتلای کشور خودش کمک کرده است. هرگاه مسلمانان در مقابل هندوهای افراطی در تشکیلاتی منسجم و تحت لوای رهبری واحد عمل کرده‌اند، توطئه‌های ضداسلامی را خنثی کرده‌اند و منشأ تأثیرات مهمی در جامعه هند گردیده‌اند، اما فقدان رهبری واحد و عدم وجود تشکل‌های انسجام‌یافته، همچنین وجود اختلافات میان رهبران مسلمان هند از یک سو و نیز مشکل نزاع فرقه‌ای، قومی و مذهبی در برخورد با هندوها، هویت مسلمانان هند را به شدت در معرض تهدید قرار داده است<sup>(۱)</sup>.

۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۲۰، مجله پاسدار اسلام، شماره ۱۳۴، مقاله «مسلمانان هند و مسجد بابری»، شناخت اجمالی کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین جهان، ص ۲۳۵-۲۳۴، روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۰/۲ و ۱۳۷۲/۱۰/۱۴، روزنامه جام جم، ۱۳۸۳/۹/۲۶.